



۲۴۶

۲۷ اسفند ۱۳۸۵

۱۸ مارس ۲۰۰۷

همبستگی هفتگی

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

www.hambastegi.org

پناهندگی حق هر کسی است که از اسلام سیاسی و استبداد و بی حقوقی میگریزد

آزادی زهرا کمالفر و فرزندان، بهانه ای برای صحبتی با شما



چند شماره ای است بعنوان سردبیر نشریه همبستگی فکر میکردم باید مطلبی رو به خوانندگان این نشریه بنویسم و با آنها از نشریه، اهدافش و از نقش و دخالت گری تک تک خوانندگان آن در پرباری و جذابتر شدن نشریه صحبت کنم. اما متأسفانه هر بار به دلیل مشغله های زیاد فرصت این کار پیش نیامد. آماده میشدم که شماره جدید رو ببندم. پیامی برای فرشاد حسینی دادم و قبل از هر چیز خبر نجات یافتن زهرا کمالفر از فرودگاه مسکو را ازش دریافت کردم. در خبر آمده است زهرا همراه فرزندان ۱۴ مارس به کانادا پرواز میکند. پس از ماهها تلاش و مبارزه هر روزه برای اثبات حق زندگی انسانها، کیس پناهندگی زهرا و فرزندان از طرف دولت کانادا پذیرفته شد. برای باور این خبر چند بار آن را با صدای بلند خواندم. انگار کمی زیر شوکش بودم. برای همین شماره داشتم مطلب اعلام فاز دوم کمپین نجات جان زهرا و فرزندان که به تاریخ ۱۹ فوریه اعلام شده بود رو آماده میکردم. بعد از ادامه در صفحه ۲

زهرا کمالفر به کانادا رسید کابوس سرگردانی ۲۳ ماهه عاقبت با یک همبستگی بین المللی با موفقیت خاتمه یافت



از راست به چپ: تهمنه صادقی دبیر فدراسیون در ونکوور، زهرا کمالفر، نادر برادر زهرا

انعکاس وسیع کنفرانس مطبوعاتی فدراسیون در فرودگاه ونکوور کانادا زهرا کمالفر: "اکنون میتوانم آزادی را لمس کنم"

آنا دختر ۱۷ ساله خانم کمالفر: "دیگر میتوانم به آسمان خیره شوم. میتوانم ماه و خورشید را تماشا کنم. میتوانم اکسیژن تنفس کنم"

ادامه در صفحه ۲

دنیا را با شعارهای جبهه سوم به لرزه درآوریم نه جنگ، نه بمب، نه تحریم، نه جمهوری اسلامی

گسترده تر، و در کل زیر پا گذاشتن هر چه بیشتر حرمت و شان و ارزش انسانی، بعنوان شاخص های زورآزمایی و نمایش قدرت طرفین محاسبه میشود. اکنون حوزه بحران این مسابقه و رقابت خونین تروریستی به ایران رسیده است. شبخ هولناک تحریم اقتصادی، جنگ و رقابت و جدال خونین دو قطب تروریستی بر فراز جامعه ایران یک تهدید جدی و هشدار

ویژه آنجا ابعاد عظیمتری میگیرد که هیچ دولت و نهادی مسئولیت حفاظت و حمایت از زندگی شهروندان و از هم پاشیدن شیرازه مدنیت جامعه بعهدہ نمیگیرد. از دوسوی این قطب های متخاصم زندگی و هست و نیست مردم بی گناه است که وجه المصلحه نمایش قدرت شان شده است. در این رقابت و مسابقه خونین دو قطب، خون ریزی بیشتر، سقاوت و بیرحمی عریان تر، وحشیگری

در ادامه سیاست نظم نوین جهانی، خاورمیانه به کانون تلاقی خونین دو قطب تروریستی دنیا (تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی) بدل شده است. زندگی میلیونها نفر در عراق و افغانستان و لبنان و فلسطین در دور نوین مسابقات تروریستی این دو قطب با یک کابوس هولناک روزمره توأم شده است. میلیونها نفر در اثر این جنگ خونین دو قطب تروریستی آواره و سرگردان شدند. فاجعه به

اخراج یک پناهجو از سوئد متوقف شد

صفحه ۴

از حرمت انسانی دفاع کنیم!

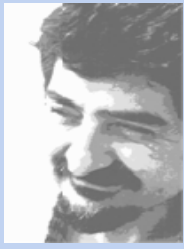
صفحه ۶

تظاهرات موفق در مقابل اداره مهاجرت سوئیس

صفحه ۴

آزادی امیر کاظمی در ونکوور کانادا

صفحه ۵



با سرکوب خونین انقلاب و تحمیل یک زندگی فوق ارتجاعی به مردم، دهها هزار انسان گریخته از دست جمهوری اسلامی تنها و بدون تشکل راهی بسوی امنیت و آرامش در ورای مرزهای ایران می جستند. متشکل کردن این موج عظیم انسانی حول مدرن ترین و انسانی ترین دست آوردهای بشری، دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی مردم ایران و قرار دادن این مردم در کنار مبارزات انسان دوستانه و کارگری در غرب علیه راسیسم، فاشیسم، نابرابری اجتماعی، ایجاد سازمانی غیرحزبی و فرامحلی بدون نظر گرفتن ملیت، مذهب، جنسیت و تعلق تشکیلاتی را به یک ضرورت فوری تبدیل می کرد. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی پاسخ منصور حکمت به این ضرورت بود. بقول او: "همه داستان زندگی ما تغییر زندگی انسان است."

آزادی زهرا کمالفر و فرزندان، بهانه ای دامه از صفحه ۱

چند دقیقه ای ۲۳ ماه اسارتی که زهرا و ۲ فرزندش سپری کردند، به باره دیگه از جلوی چشم گذشت. هر وقت که به شرایط زهرا، آنا و داود فکر میکردم، آنچه که از ذهنم میگذشت تصاویر تکان دهنده ای بود که باورش آسان نبود! تصویر ۲۳ ماه زندگی در بدترین شرایط زیستی در "عصر تمدن" را میشد به سادگی مجسم کرد! تصویر دردآور زندگی نزدیک به یکسال مادری که به دلیل مشکلاتش، همراه دو فرزندش زادگاهش را ترک کرده بود تا زندگی آسوده ای برای خودش و فرزندان فراهم کند. او هرگز، یک روز، حتی یک روز از روزهایی که در این ۲۲ ماه تجربه کرد، را پیش بینی نمی کرد. او گمان میکرد به رسمیت شناختن حق زندگی در "دنیای دمکراسی" امری بدیهی است! اینجا آنسوی مرزها است که "زندگی متفاوت است" و انسانها حق زندگی کردن دارند. داشتن امکانات اولیه و ضروری زندگی مثل حمام و توالت، دیگر مبارزه نمیخواهد! مگر در عصر تمدن اینان کسی هم پیدا میشود که بتواند حتی لحظه ای، زندگی بدون داشتن امکانات شخصی در حد استانداردهای امروزی، از خاطرش عبور کند؟ مگر ممکن است از من و فرزندان، سقف امنی که زیر آن بتوان بدون دغدغه شب را صبح کرد، دریغ کنند؟ مگر ممکن است من و کودکانم را در بدون هیچ امکانی در خیابانها رها کنند؟ مگر ممکن است که حتی گرسنه بمانیم؟ اینها و دهها سؤال دیگر قطعاً سؤالاتی بود که زهرا جواب منفی به آنها داده بود و به

میشناسیم که پروسه پناهند گیشان ومشکلاتی که روزانه در این ارتباط با آن درگیر هستند، انگیزه برای هرگونه تلاشی در جهت تغییر وضعیتیشان را از آنها گرفته است؟ گمان میکنم جوابمان به این سؤال نباید زیاد با هم متفاوت باشد! آنچه که روشن است دول غربی هر روز، هر چه بیشتر با تهاجم به دستاوردهای بشریت که حق پناهندگی یکی از آنهاست پناهجو را از داشتن یک زندگی با استانداردهای امروزی که حق طبیعی هر انسانی است محروم میکنند. امروزه بدنبال تعریف جدیدی از پناهنده و حق پناهندگی هستند. پناهنده را آن سالها در تقابل با شرق و ژست آزادیخواهی تعریف کرده بودند. امروز دیگر آن قطب قدرت موجود نیست و پناهنده هم از نظر اینان باید تعریف دیگری داشته باشد. در کنار پیدا کردن راههای مختلف وتلاش برای قانونی کردن آنها در جهت زدن حق پناهجو و تلاشی هر روزه برای خاموش کردن پناهجو، با وعده و وعیدهایشان، طولانی کردن پروسه های حقوقی اداری، پناهجو را در پشت درهای بسته امید به تغییر، سالها و سالها منتظر میگذارند. اگر در جایی پناهجو میخواهد خود را متشکل کند با ترساندنش دهها پند و اندرز او را به خانه اش میفرستند تا مثل بچه ای مطیع و آرام برایشان خطر ساز نباشد. پولها خرج میکنند تا بگویند که در مهد دمکراسی تنها وتنها در "آرامش و صلح" میتوان به زندگی بهتری دست یافت. اینها یک چیز را بخوبی میدانند وترکه آن را بر پیکرشان حس کرده اند و آن هم چیزی جز اینکه میدانند قدرت پناهجو در مبارزه

متشکلش است، نمیباشد. اینها تجربه کرده اند که دست یابی حتی به کوچکترین تغییر در شرایط پناهنده فقط و فقط در ازای مبارزه متشکلش به دست آمده. آنجا که پناهند خود را متشکل کرده هیچ قدرتی توان مقابله و رویاروی با آن را نداشته است. این تاریخی است که در سراسر دنیا ثبت شده است. در همین راستا تمام تلاششان این است که پناهندگی را به امر شخصی افراد تبدیل کنند. تلاش میکنند پناهنده را به یک شماره پرونده تبدیل کنند. اما آنچه که ما باید به آن واقف باشیم و نباید اجازه داد دول اروپائی تعریف دیگری از آن بدهند پناهنده و حقوق پناهندگی است. نباید فراموش کرد که پناهنده و پناهندگی مقوله سیاسی است و اتفاقاً آنجا که توانسته اند به حقوق پناهنده دست درازی کنند فقط در پس اعمال سیاستهای ضد پناهندگیشان که بجزشخصی کردن، پراکنده کردن و منفعل کردن پناهنده بوده است، نمیباشد. هیاهو تبلیغاتی و سر و صدای دولت سوئد حول خاموش کردن فضای اعتراضی در جامعه در چند ماه گذشته نمونه بارزی از این سیاستها است و آنجا که آتش این مبارزه کمی فرو کش میکنند میبینم که وزارت مهاجرت سوئد گام به گام اعطای اقامت به پناهجویان را محدود و محدودتر میکنند. اگر پناهجو دولت سوئد را مجبور به عقب نشینی میکند تماماً در گرو مبارزه متشکلش و در خیابانها بودنش است. اگر امروز زهرا بعد از ۲۳ ماه نجات میابد. اگر امروز امیر کاظمیان در کانادا نه تنها از زندان دیپورت آزاد میشود بلکه حق پناهندگیش به رسمیت شناخته میشود اگر امروز ایمان بنی سعید در

سوئد از سر پله های پرواز برای دیپورت نجات میابد، اینها و دهها نمونه دیگر در گرو تلاش و مبارزه ای که در راس آن فدراسیون و فعالینش با تجارب چندین ساله با سازمان دادن اعتراضات، جلب افکار عمومی و بعضاً ایجاد همبستگیهای بین المللی در شرایط پناهندگی حتی در سطح قانون، تاثیر گذار بوده اند و زندگی صدها نفر را نجات داده اند. گمان میکنم همه ما با افراد زیادی آشنا هستیم که امید به وعده و وعیدهای دول اروپائی که هیچ آشتی با منافع پناهنده ندارد، بسته اند. برای خودشان دنیایی ساخته اند که واقعی نیست. این دنیا نه تنها واقعی نیست بلکه زندگی روزانه هزاران نفر را به پروسه ای فرسایشی تبدیل کرده که نتیجه اش استیصال و در موضع ضعیفتر قرار گرفتن پناهجو میباشد. نباید اجازه داد که زندگی هزاران زن و کودک قربانی این سیاستها شود. باید خشم و اعتراض نهفته در دل هزاران پناهجو را در جامعه فریاد کشنده و طنین انداز کنیم. باید مثل همیشه با دست در دست گذاشتن همدیگر و اتحادمان آوریم. امروز برای این کار فدراسیون و نشریه آن را بعنوان ظرف این مبارزه داریم. به فدراسیون بپیوندیم و با نوشتن نظریات، تجربیات و گوشه ای از تاریخ این دوره از زندگیمان صدایمان را به گوش جامعه برسانیم. فراموش نکنیم که زندگی تک تک ما در این پروسه نباید در سینه ها مخفی بماند. این تجربیات تاریخی است که میتواند دنیا را به لوزه در آورد.



زهره کمالفر به کانادا رسید ادامه از صفحه اول

خبرگزاری‌های M.Chanaal ، شبکه تلویزیونی MTV ، cripps News Vancouver Sun ، و خبرگزاری‌های دیگر.

زهره کمالفر و دو فرزندش آن‌ا ۱۷ ساله و داوود ۱۲ ساله بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۵ مارس وارد کانادا شدند. واحد فدراسیون در ونکور از قبل طی یک بیانیه مطبوعاتی از کلیه رسانه‌های خبری کانادا برای شرکت در کنفرانس مطبوعاتی در فرودگاه ونکور و به مناسبت ورود زهره کمالفر به کانادا دعوت کرده بود. ساعاتی قبل از ورود زهره کمالفر به ونکور تعداد زیادی از خبرنگاران رسانه‌های گروهی کانادا در محل حضور بهم رسانده و با تهمینه صادقی دبیر فدراسیون در کانادا و زوی اصلی و جمشید صبوری کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران، مصاحبه کردند. از جمله خبرنگارانی که با تهمینه صادقی و کادرهای حزب مصاحبه کردند عبارت بودند از : شبکه تلویزیونی

CTV

بخش فرانسوی و انگلیسی، شبکه تلویزیونی CBC

بخش فرانسوی و بخش انگلیسی، شبکه رادیویی CBC شبکه تلویزیونی The Global ، Toronto star ، Metro ، رادیو 11.30 ، و روزنامه‌ها و

کشورهای جهان در کابوس دیپورت و بلا تکلیفی دست و پا میزنند. موفقیت در این کمپین و حمایت‌های وسیع و گسترده و بین‌المللی از آن را باید سرمایه کمپین‌های دیگر فدراسیون برای نجات انسان‌های شریفی کرد که از جهنم جمهوری اسلامی فرار کرده و حاضر نشدند زیر تیغ جلادان حکومت اسلامی زندگی کنند. این موفقیت را باید به یک سکوی پرش برای تقویت و پیشرویهایی بیشتر فدراسیون و کمپین‌هایش و در نجات هر چه بیشتر انسانها از زیر قیچی دوله جمهوری اسلامی و دموکراسی غربی بدل کرد..

زنده باد همبستگی بین المللی در دفاع از حق پناهندگی

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

و غیره به استقبال خانم کمالفر رفته بودند. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ورود خانم کمالفر و فرزندانش به کانادا را تبریک گفته و برای آنها در کانادا زندگی خوشی را آرزو میکند. ما همچنین این پیروزی مهم و تاریخی را به کلیه حامیان کمپین نجات زهره و به تمام کسانی که برای پیشبرد این کمپین فعالیت عملی کرده و یا کسانی که در طول این مدت ابراز نگرانی کرده و دلواپس آنها بودند تبریک گفته و این موفقیت را مرهون تلاش بی‌وقفه و دلگرمی و حمایت تمام این عزیزان میدانیم. با ورود خانواده کمالفر به کانادا، خانواده‌ای از چنگال یک تراژدی انسانی نجات یافت. اما مبارزه ما تمام نشده است. تلاش و مبارزه برای نجات خانواده‌های دیگر هنوز ادامه دارد. هنوز صدها و هزاران خانواده در عراق، ترکیه، پاکستان، و سایر

خانم کمالفر و فرزندانش پس از توقف یک ساعته موفق شدند از سالن ترانزیت فرودگاه ونکور خارج شده و در آغوش استقبال کنندگان از جمله برادرشان نادر قرار گرفتند. دهها خبرنگار مختلف به محض ورود خانم کمالفر به فرودگاه از آنها عکس و فیلم گرفتند. خانم زهره کمالفر در مقابل دوربین‌های تلویزیونی و عکاسان اعلام کرد که: " اکنون میتوانم پس از مدت‌ها آزادی را حس کنم". آن‌ا دختر ۱۷ ساله خانم کمالفر به محض خروج از سالن فرودگاه به آسمان نگاه کرد و به خبرنگاران گفت: " دیگر میتوانم به آسمان نگاه کنم. میتوانم خورشید و ماه و ستارگان را ببینم. میتوانم اکسیژن تنفس کنم." فعالین فدراسیون با در دست داشتن پلاکاردهای خوش آمدگویی و یک دسته بالن سفید که روی آنها به زبان انگلیسی نوشته شده بود تبریک، دوست‌تان داریم، عاقبت پیروز شدیم

نه جنگ، نه بمب، نه تحریم، نه جمهوری اسلامی ادامه از صفحه اول

قطب تروریستی اعلام کرده و علیه هر دو قطب مبارزه و افشاگری میکنیم. میلیون‌ها پناهنده در دنیا قربانیان آشکار دو قطب تروریستی هستند. در اعتراضات جنبش ضد جنگ ما وسیعاً و فعالانه شرکت کرده و کیفرخواست خود علیه دو قطب را به دنیا اعلام میکنیم.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی



جبهه سوم، جنبش نماینده نه بشریت متمدن به دو قطب تروریستی دنیا بدل شود. جنبش ضد جنگ نباید صحنه سیاست را برای جمهوری اسلامی یا آمریکا خالی کند. صحنه سیاست در دنیا باید صحنه ابراز وجود و بیان آرمان‌های عمیق انسانی بشریت متمدن باشد. همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی بعنوان یکی از اعضای جبهه سوم به سهم خود تلاش میکند این نیروی جبهه سوم و جبهه دفاع از تمامیت ارزش‌های انسانی در مقابل دو قطب تروریستی دنیا را تقویت نماید. ما به نمایندگی از هزاران پناهنده در اعتراضات علیه جنگ رسماً اعتراض خود را به دو

متوجه یک طرف و یک قطب این ماجرا باشد. هیچ کدام از نمایندگان این دو قطب را نباید از نفرت و از جاز میلیون‌ها مردم دنیا نسبت به کل بانیان جنگ و خونریزی در دنیا مصون نگهداشت. نباید اجازه داد جنبش ضد جنگ و احساسات عمیق بشردوستانه و انسانی و همدردی میلیون‌ها مردم را به ابزار تظہیر تروریسم اسلامی و قلب آن جمهوری اسلامی تبدیل کرد. جنبش ضد جنگ باید انسانیت را نمایندگی کند. باید شعارهای نه به جنگ، نه به بمب، نه به تحریم و نه به جمهوری اسلامی را بعنوان شعارهای محوری این جنبش در سراسر دنیا تبدیل کرد. جنبش ضد جنگ باید به جنبش

دست دادن خانه و کاشانه و هست و نیستشان، نیست. نقطه عزیمت جدال‌ها و کشمکش هیچ یک از این دو قطب ، مردم و حقوق انسانی و ارزش جان و حرمت انسانی نیست. هر دو برای بقا و گرفتن سهم بیشتر در هژمونی و قدرت سیاسی و اقتصادی منطقه در مقابل هم صف‌آرایی کردند جنبش ضد جنگ بعنوان جنبشی که میخواهد در این جدال خونین از جان و حرمت انسانها و از انسانیت دفاع کند، باید در مقابل هر دو قطب بایستد. با هیچ توجیهی نمیتوان و نباید نوك تیز تعرض این جنبش

دهنده است. دو سویی این جدال خونین دو اردوگاه و دو نیروی ضد مردمی و ضد انسانی قرار دارند. در یکسو جمهوری اسلامی قرار دارد با ۲۷ سال تحمیل یک نسل کشی و سرکوب خونین هر نوع آزادیخواهی و بعنوان قلب تروریسم اسلامی دنیا و در سویی دیگر آمریکا قرار دارد. ژاندارم خود گمارده با کارنامه سیاه و طویلی از جنایت علیه بشریت. سهم مردم عادی و شهروندان جامعه از این رقابت خونین دو قطب، چیزی جز گلوله و بمب و آتش سوزی و به خاک و خون افتادن و آوارگی میلیونی و از

با دخالت فدراسیون طرح اخراج یک پناهجو از سوئد متوقف شد روزنامه پرتیراژ مترو گزارش مبسوطی از کمپین فدراسیون را درج کرده است

ایمان بنی سعید یک پناهجوی ۲۵ ساله ایرانی که از سال ۲۰۰۳ در سوئد درخواست پناهندگی کرده در آستانه دیپورت به ایران قرار داشت، با تلاش و فعالیت‌های وسیع فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد استکهلم از دیپورت حتمی به ایران نجات یافت.

ایمان بنی سعید در حالی توسط مامورین اداره مهاجرت سوئد دستگیر میشود که همسرش به دلیل زایمان در بیمارستان بستری بود. مامورین اداره مهاجرت ابتدا با تهدید تلاش میکنند که ایمان را به همکاری با پلیس و امضای برگه بازگشت داوطلبانه به ایران وادارند. امتناع ایمان از امضای این برگه باعث میشود که مامورین اداره مهاجرت روز دوشنبه ۲۶ فوریه وی را دستگیر و راهی بازداشتگاه اداره مهاجرت کرده تا مقدمات دیپورت وی به ایران را فراهم کنند. همسر ایمان بلافاصله فدراسیون و کمیما پازوکی سخنگوی فدراسیون را سوئد را مطلع میکند. کمیما پازوکی به محض اطلاع از ماجرا اقدامات فوری و گسترده ای را برای نجات ایمان آغاز میکند. کمیما پازوکی بلافاصله رسانه های

گروهی و رادیوهای فارسی زبان استکهلم را مطلع کرده و از مردم درخواست تجمع اعتراضی در مقابل محل بازداشت ایمان میکند. فعالین فدراسیون و مردم معترض، بلافاصله در مقابل بازداشتگاه اداره مهاجرت تجمع کرده که مانع دیپورت ایمان شوند. مامورین پلیس که از تجمع معترضین هراسان میشوند از درب پشت بازداشتگاه ایمان را به یوتبوری انتقال داده که از آنجا وی را راهی ایران کنند. در این فاصله ایمان موفق میشود کمیما را از وضعیت خود مطلع کرده و کمیما نیز رهنمودهای مشخصی به وی داده از جمله اعتراض شدید در هواپیما و قانع کردن خلبان و خدمه و مسافرین هواپیما از ماجرا و عدم همکاری با پلیس برای دیپورت وی. ایمان در آستانه دیپورت و سوار شدن در هواپیما رهنمودهای کمیما را اجرا کرده و در نتیجه خلبان هواپیما اعلام

میکند که حاضر به انتقال وی به ایران نمیشد. همزمان کمیما پازوکی با یک وکیل خیره و معروف تماس گرفته و با تاکید بر اضطراری بودن قضیه خواهان پیگیری حقوقی پرونده ایمان میشود. تلاش برای جلوگیری دیپورت ایمان لحظه به لحظه در عرصه سیاسی و حقوقی دنبال میشود و در نهایت ایمان بنی سعید از فرودگاه به بازداشتگاه موقت اداره مهاجرت انتقال و دیپورت فوری وی بطور موقت لغو میشود. اداره مهاجرت سوئد قرار بود روز جمعه ۲ مارس برای بار دوم ایمان بنی سعید را به فرودگاه فرستاده و وی را به ایران دیپورت کند.

در جریان این کمپین مهم کمیما پازوکی وضعیت ایمان را به روزنامه پرتیراژ مترو گزارش میدهد که مصاحبه و گزارش کمیما با عکس کمیما و ایمان در این روزنامه درج میشود. در این گزارش به نقل از

کمیما پازوکی این موضوع مورد تاکید قرار گرفته که اداره مهاجرت سوئد پناهجویان را به موش آزمایشگاهی خود برای به سرانجام رساندن دیپورت پناهجویان ایرانی تبدیل کرده است. کمیما پازوکی در این مصاحبه ضمن اشاره به نحوه دستگیری و تلاش برای دیپورت ایمان بنی سعید، ابراز نگرانی کرده که دولت سوئد برای دیپورت پناهجویان ایرانی ممکن است به توافقاتی با جمهوری اسلامی رسیده باشد.

کمپین فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در جلوگیری از دیپورت ایمان بنی سعید به ایران انعکاس وسیعی در رسانه های گروهی فارسی و سوئدی در سوئد داشت. ما باردیگر در مقابل تعدی اداره مهاجرت سوئد ایستادیم. و پناهجوی قربانی را از حلقوم شان بیرون کشیدیم. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد بار دیگر لزوم متحد شدن و پیوستن به

فدراسیون را متذکر شده و از کلیه پناهجویان و پناهندگان ایرانی میخواهد که برای جلوگیری از هرنوع مماشات و معاملات پشت پرده دولت سوئد با جمهوری اسلامی و اعمال فشار به پناهجویان و دستگیری و دیپورت پناهجویان به فدراسیون پیوسته و اجازه ندهیم دولت سوئد تاخت و تاز خود را نسبت به پناهجویان ادامه دهد.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد ضمن تشکر و قدردانی از کلیه زحمات کمیما پازوکی از کلیه کسانی که این کمپین را مورد حمایت قرار داده و به اشکال مختلف در این کمپین شرکت جستند تشکر و قدردانی میکند. ما همچنین اعلام میکنیم که تا آزادی کامل و بی قید و شرط ایمان از بازداشتگاه و برخوردار شدن وی از حق پناهندگی از تلاش ها و مبارزات خود دست نمیکشیم.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد

قرار داده و اقدامات لازم را مبذول و فدراسیون را از نتیجه امر مطلع سازند. خواسته های طرح شده به قرار زیر بودند

۱. کاهش مدت زمان پروسه های بررسی پرونده پناهجویان ایرانی
 ۲. در زمان بررسی پرونده پناهندگان ایرانی حتما با توجه به وضع فعلی حقوق بشر در ایران مد نظر قرار گیرد
 ۳. باز بینی مجدد همه پرونده های پناهجویان ایرانی با دید مثبت
- در خاتمه مسئولین اداره مهاجرت خواهان لیست افراد مورد نظر و حاضر در تحصن را خواستار شدند و قول مساعد دادند که پرونده ها را مورد باز بینی قرار دهند

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس

تظاهرات موفق پناهجویان در مقابل اداره مهاجرت سوئیس

روز جمعه ۲ مارس به دعوت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس تظاهراتی در مقابل اداره مهاجرت سوئیس در شهر برن برگزار شد. این تظاهرات از ۱۳ و ۳۰ دقیقه شروع شد. در جریان این تظاهرات احمد مام محمدی دبیر فدراسیون در سوئیس در خصوص اهداف این تظاهرات و ضرورت ادامه مبارزات پناهندگان ایرانی در دفاع از حق پناهندگی خود سخنرانی کرد.

شایان ذکر است که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس در نظر داشت که یک تحصن دو روزه را در اینروز سازمان دهد که متأسفانه به دلیل کارشنکی مقامات پلیس باعث شد که این تحصن به یک تجمع ۲ ساعته محدود شود

در جریان تظاهرات نشریه همبستگی هفتگی در بین شرکت کنندگان در

محمود آقایی، هیوا خوش نمک پییمانجفی و خانم موسوی بودند در ابتدا یکی از مسئولین اداره مهاجرت ضمن معرفی حاضرین اشاراتی به ملاقاتهای گذشته این اداره با فدراسیون و رابطه مستحکم فی مابین کرد. سپس آقای عباس زاده از موقعیت کنونی فدراسیون در بین پناهندگان ایرانی در سوئیس و همچنین در مجا مع بین المللی صحبت کرد. سپس آقای احمد مام محمدی دبیر فدراسیون در سوئیس مطالبی را در رابطه با وضعیت سیاسی فعلی ایران و اوضاع وخیم حقوق بشر در ایران صحبت کرده و با رانه مدارکی از آخرین وضعیت نقض

تظاهرات پخش شده و پناهندگان بیشتر از فعالیت‌های فدراسیون مطلع شدند. در پایان این تظاهرات قطعنامه فدراسیون توسط مسئول تبلیغات فدراسیون در سوئیس آقای محمد رضا قاسم پور قرائت و مورد تصویب حاضرین قرار گرفت

در جریان این تظاهرات مسئولین اداره مهاجرت در جمع تظاهر کنندگان شرکت یافته و ضمن خوشامد به حاضرین از نمایندگان خواستند برای بحث و مذاکره پیرامون خواسته ها و مطالبات تظاهرکنندگان به داخل سالن مراجعه کنند. حاضرین در جلسه آقایان حرمت عباس زاده، احمد مام محمدی،

آزادی امیر کاظمی در ونکور کانادا یک پیروزی دیگر برای پناهجویان!

وضعیت بد حقوق بشر در ایران و بی توجهی دولت کانادا در مقابل پناهجوی ایرانی را افشا نماید. این افشاگرها مورد توجه مطبوعات و حاضرین قرار گرفت و ایشان در مصاحبه هایش اعلام نمود که امیر اولین و آخرین پناهجو که مورد عدم حمایت اداره مهاجرت قرار گرفته بود، نیست. پناهجویان زیادی در لیست اخراجی به جهنم جمهوری اسلامی هستند و از حاضرین خواست که به وضعیت پناهجوی ایرانی حساس بوده و پناهجویان ایرانی را از حمایت خود محروم نکنند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، این پیروزی و موفقیت را به امیر کاظمیان، بستگان ایشان و به تمام انسانهای بشردوست صمیمانه تبریک گفته و درود میفرستد.

**به امید همبستگی
گسترده و موفقیت های
بیشتر!**

**فدراسیون پناهندگان
ایرانی - واحد ونکور**

NEWS, VANCOUVER
SUN, PROVINCE,
GLOB AND MAIL,
GLOBAL TV, METRO,
24 HOURS,

در محل حضور داشتند و لحظه به لحظه وقایع را دنبال میکردند. ناگهان خبر آزادی امیر و قبولی اقامت دایم ایشان، در ساعت ۱۰ صبح اعلام شد، حدود ساعت ۱۱ وقتی امیر و وکیلش وارد محل تجمع شدند جمعیت با شور و شغف و بادکنک هوا کردن به استقبال امیر رفته و او را در آغوش گرم خود گرفتند. امیر از حضور گسترده مردم و پشتیبانی بی دریغ آنان تشکر کرد، و اشاره نمود که آزادی خود را مدیون تمام کسانی است که در این مدت او را تنها نگذاشته و مداوما از او حمایت کرده اند، می باشد.

فهمیه صادقی دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی تلاش نمود تا توجه حاضرین و بلاخص مطبوعات را به

ای زنده در ظهر دوشنبه بعد از آزادی امیر پخش نمود.

در نتیجه تلاشها، از همه دعوت میشود که صبح روز دوشنبه در مقابل اداره مهاجرت جمع شده و علیه دستگیری امیر کاظمیان تظاهراتی انجام دهیم. از طریق رادیو شبانه برنامه رادیویی رامین مهجوری، از مردم دعوت نمودیم که در تظاهرات روز دوشنبه صبح فعالانه شرکت نمایند. قابل ذکر است که این رادیو برنامه آن شب خود را به مسئله پناهجوی ایرانی و امیر کاظمیان اختصاص دادند.

از ۹ صبح جمعیت قابل ملاحظه ای در مقابل اداره مهاجرت جمع شدند طوری که مأمورین اداره ایمنگیزیشن در بهای ورودی ساختمان را قفل کردند و مانع ورود جمعیت حاضر به داخل ساختمان شدند..

تمامی خبرنگاران محلی از جمله:
CTV, CBC radio and TV
tTV, NEW 1130, CKW

فوریه، اقدامات دیپورت ایشان را به ایران فراهم کنند.

امیر بعد از دستگیری سریعاً با وکیلش و با فدراسیون پناهندگان ایرانی و دیگر نهادها تماس گرفته و ما را از دستگیری اش با اطلاع می کند. امیر چهره آشنایی برای فدراسیون پناهندگان ایرانی بوده و همیشه در ارتباط نزدیک با او در مدت اقامتش در کلیسا میبود. ما بعد از دریافت خبر دستگیری امیر، به سهم خود شروع به تماس با تمامی نهادهای دیگر مدافع پناهجو و نهادهای حقوق بشر نمودیم و مطبوعات ایرانی و غیر ایرانی را نیز در جریان این دستگیری قرار دادیم. در این رابطه روز دوشنبه روزنامه سراسری استان بریتیش کلمبیا، پراونس، با فهمیه صادقی مصاحبه ای را در این ارتباط به چاپ میرساند و رادیو سی بی سی در دو مرحله یکی در اخبار صبح و دیگری برنامه

آزادی امیر کاظمیان و پذیرش حق پناهندگی او در کانادا یک بار دیگر نا امن بودن ایران را در صدر اخبار سراسری کانادا قرار داد. امیر کاظمیان بعد از دو سال و هشت ماه تحصن در کلیسا آنگولاسیون، موفق به گرفتن اجازه اقامت دایم خود از اداره مهاجرت کانادا شد.

امیر در مدتی که در کلیسا بسر می برد با تعمیر، خرید و فروش کامپیوتر کمک هزینه و سرگرمی ای برای خود ایجاد کرده بود. در روز شنبه ۱۷ فوریه یکی از مشتریان امیر با دادن چک جعلی و ایجاد مزاحمت او را تهدید میکند، امیر از ترس امنیت خود، به پلیس زنگ میزند و پلیس را در جریان این تهدید قرار میدهد. پلیس بعد از رسیدن به محل و وارد کردن اسم امیر در کامپیوتر متوجه می شود که اسم امیر در لیست پناهجویان فراری است. پلیس امیر را دستگیر کرده و با خود به اداره پلیس می برد و بعد از آن به سازمان مرزی کانادا زنگ زده و او را توسط این سازمان به زندان فرودگاه منتقل کرده و قرار بر این می شود که بعد از پروسه دادگاهی، روز دوشنبه ۱۹

کنفرانس مطبوعاتی EX – muslime در برلین

رامین تقی پور



دولتهای ارتجاعی دین مدار سخن گوید و موجودیت علنی کمپین من از مذهب رویگردانم را اعلام کند تا آغازی بر پایان مصائب بشری باشد

این کمپین تحول بنیادی با زیرساختی توانمند و ساختاری مترقی پا به عرصه جهانی گذاشته و با قدرت آینده را رقم خواهد زد. سپس کنفرانس وارد مرحله سوم شد که فرصتی برای یکصد ژورنالیست داخلی و بین المللی از انواع گرایشات فکری پیدا شد و آن سکوتی که هنگام سخنرانی مینا احدی همه را فرا گرفته بود یکباره شکسته شد گویی خبرنگاران پس از شنیدن گفته های مینا احدی خود را پیدا کرده بودند و در طرح سوال از یکدیگر سبقت میگرفتند

از مردم در جوامع اسلامی دارای امکان رسانه ای نیستند که بتوانند انترجاشان را علناً از مذهب اعلام کنند و این لباس ناهمگون، متعفن و آلوده به کثیف ترین میکروبیهای ممکنه را از تن خود بزدند و خود را با علم و نوآوری آرایش کنند کنفرانس مطبوعاتی برلین توانست زبان و بیان و اندیشه سیاسی و آزاد آن مردم دربند باشد و به نمایندگی از طرف تمام انسانهای سرکوب شده توسط

بشریست مشغول خطابه خود بسوی رسانه های بین المللی بود سکوت همه شرکت کنندگان وهمه مخاطبین را فرا گرفته بود. همه میدانستند که باید بدقت گوش کنند زیرا علناً ساختاری مترقی و متمایز از ساختارهای روتین و عقب مانده را نظاره گر بودند. برای ژورنالیستها این تنها یک بمب خبری صدوسی هزار بار قابل دسترس در سایت Google نبود بلکه انفجار حقیقی انسانی و خوش آیند بود که در اقصی نقاط جهان عرض اندام کرده بود. از آنجائی که بخش عمده ای

بنگذاشته شد و بخش اول کنفرانس با سخنان پروفیسور میکائیل اشمیت سالمون از سازمان جردانویرونو در ارتباط با چگونگی آغاز کار کمپین، کارنامه کمپین و اهداف کمپین وارد دستور کار شد و سپس در بخش دوم کنفرانس مینا احدی و آرزو توکر از بنیان گذاران کمپین من از مذهب رویگردانم به تفصیل در ارتباط با فلسفه وجودی این کمپین نقطه نظرات خود را ابراز داشتند زمانی که مینا احدی با گفتاری جامع و کارشناسی و با مضمونی کاملاً سیاسی در رابطه با مذهب که معضل و فاجعه جامعه

روز: چهارشنبه بیست هشتم فوریه دوهزار و هفت، مکان: سالن کنفرانس مطبوعاتی پارلمان آلمان واقع در شهر برلین، موضوع کنفرانس: کمپین من از مذهب رویگردانم، گردانندگان کنفرانس: هیئت اجرایی کمپین، شرکت کنندگان: حدوداً یکصد ژورنالیست از تلویزیونها، رادیوها، مجلات، روزنامه ها، خبرگزاریهای دولتی، خبرگزاریهای مستقل، پلیسهای امنیتی محافظ مینا احدی و تعدادی از مشارکین کمپین من از مذهب رویگردانم، بودند که آغاز تحولی بنیادی

پناهندگی حق هر کسی است که از استبداد و اسلام سیاسی و بی حقوقی میگریزد

از حرمت انسانی افراد دفاع کنیم

بیانیه در خصوص اقترا زنی به پناهندگان، بعنوان جاسوس و همکار سفارت جمهوری اسلامی

از چند ماه قابل شایعانی در سوئیس میجرخید که یک گروه به اصطلاح مدافع پناهندگی لیست تعدادی از پناهندگان ایرانی را بعنوان جاسوس یا همکاری با سفارت ایران در سوئیس به اداره مهاجرت این کشور ارائه داده است.

سیاست فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی همواره در قبال اتهام زنی و پخش افترا به افراد بدون ارائه مدرک دادگاه پسند و بدون اجازه متهمین به دفاع از خود کاملاً روشن بوده است. ما معتقدیم تا عدم اثبات حقوقی چنین ادعاهایی با احترام به حقوق مدنی افراد، اصل بر ابراء است مگر آنکه عکس آن با شواهد و ادله کافی اثبات شود. سیاست فدراسیون در اینگونه موارد همواره دفاع از حقوق و حرمت مدنی افراد، ممنوعیت افترا به ویژه در افکار عمومی و حق برخوردار شدن متهمین از دفاع از خود بوده است. هر چند فدراسیون نیز همواره خود را ملزم کرده که در قبال توطئه هلی جمهوری اسلامی و عوامل آن با کمال هوشیاری و دقت عمل کند اما نفس مقابله با توطئه های جمهوری اسلامی ما را وارد عرصه دیگری از لگدمال کردن حقوق مدنی و پایه ای افراد و نقض حرمت و کرامت

انسانی آنها، نمیکند. ما بارها از عواقب زیانبار دامن زدن به چنین اقدامات غیرانسانی هشدار داده ایم. واحد فدراسیون در سوئیس اخیراً نامه ارسال شده به اداره مهاجرت سوئیس مبنی بر وارد کردن اتهام جاسوسی و همکاری با سفارت جمهوری اسلامی نسبت به تعدادی از پناهندگان را بدست آورده است. دلایل ارائه شده در این نامه مبنی بر جاسوس و همکار رژیم نامیدن عده ای از این پناهندگان کاملاً نامشروع و غیرواقعی بوده و بر پایه استدلالات سست و ضعیفی بنا شده است.

کسی را نمیتوان به صرف رفتن به سفارت جمهوری اسلامی یا بازگشت به ایران جاسوس و همکار سفارت خواند. با این حکم غیرمنصفانه باید دهها هزار ایرانی که به ایران رفت و آمد میکنند را جاسوس و همکار رژیم خواند. به نظر ما رفت و آمد به ایران نه یک تابو و نه یک جرم سیاسی که یک حق انکار ناپذیر هر شهروندی در این دنیا است. قریب به ۵ میلیون ایرانی در خارج از ایران کار و زندگی شرافتمندانه میکنند که بخش قابل توجهی از آنها به ایران رفت و آمد میکنند. رفت و آمد هزاران ایرانی

به ایران، نه نشانه تسلیم و سرسپردگی این افراد به جمهوری اسلامی است و نه سرسوزنی ربطی به بهبود حقوق انسانی در ایران دارد. بلکه کاملاً برعکس، این نشانه ضعف و زبونی جمهوری اسلامی و در بطن و بستر استیصال این رژیم در برخورد با جنبش های اعتراضی و سرکوب و ارعاب آنهاست که در ابعاد وسیعی بخشی از مردم میتوانند به ایران رفت و آمد داشته باشند. تسهیل امکان رفت و آمد به ایران خود یک عقب نشینی رژیم از موضع ضعف و کنترل پلیسی و سیاسی همه مهاجرین و ایرانیان خارج کشور است.

ما وارد کردن هر گونه اتهام و افترا بی بدون مدرک و شواهد کافی و بدون طی کردن یک پروسه عادلانه مدنی و حقوقی دفاع از خود را، امری مغایر با پرنسپ های اولیه حقوق انسانی دانسته و از جانب هر کس و گروهی که انجام گیرد قاطعانه محکوم میکنیم. در مقابل اینگونه روشها می ایستیم و اجازه نمیدیم که کسانی با حرمت و اعتبار انسانی افراد با چنین دلایل سخیف و نازلی بازی کنند. هر جریان یا سازمانی که به چنین اقدامات غیر مسئولانه ای متوسل

شوند را نیز افشا و طرد و منزوی میسازیم.

ما ارائه لیست تعدادی از پناهندگان ایرانی به اداره مهاجرت سوئیس و وارد کردن اتهامات واهی جاسوسی و همکاری با جمهوری اسلامی را به این افراد بدون در دست داشتن مدرک کافی را قاطعانه محکوم می کنیم. چنین روشهایی ناپسندی فضای مسمومی را در جهت تضییق حقوق مدنی و استانداردهای مدنی انسانها ایجاد کرده و منتهی به ایجاد فضایی بی اعتمادی یاس و استیصال و پراکندگی و بدبینی در طیف پناهندگان، مهاجرین و ایرانیان خارج کشور میشود. از سوی دیگر عملاً ابزاری میشود در دست اداره مهاجرت برای تعرض بیشتر به حق پناهندگی پناهجویان ایرانی و پناهندگان ایرانی را در موضع و موقعیت آسیب پذیرتری برای دفاع از حق خود قرار میدهد.

همبستگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی ضمن محکوم کردن اقدامات شنیع این گروه، اکیدا از آنها میخواهیم که نسبت به ادامه چنین روشها و باب کردن چنین فضاهایی در میان پناهندگان و مهاجرین ایرانی دست برداشته و به حرمت و حقوق مدنی افراد احترام بگذارند

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

محلی وسراسری و میزهای اطلاعاتی این مهم را همه گیر کنند .

ذکر نام مینا احدی، یا سایت www.w.w.w.É.X-muslime.de مراجعه کرده و این تحول سازنده را به آگاهی دیگران برسانند و از طریق جراید

عکسبرداری و فیلمبرداری کردند و فلاش دوربین ها در حال ثبت لحظه ای تاریخی از این رویداد بنیادی، مترقی، سیاسی و اجتماعی بود و آشکار شد که فریاد آزادیخواهان، تلاش انسانهای شریف و مبارزین راه آزادی و برابری وارد مرحله جدیدی از پیروزی در عرصه جهان شده است. خوشحالم که آنجا بودم و شاهدی بر این تحول عظیم برهمه آزادیخواهان، برابری طلبان میباشد که به منابع اطلاعاتی این کمپین که بکرات قابل دسترسی میباشد از جمله در سایت Google با

کنفرانس مطبوعاتی

سوالاتی با مضمونی کاملاً حرفه ای بسیار بود و جوابهای مینا احدی با مضمونی کاملاً سیاسی و کارشناسی بسیار تر. سپس کنفرانس وارد مرحله چهارم شد که از مشارکین این حرکت خواستند کنار مینا احدی و هیئت اجرایی کمپین باشند که مجدداً سبقت گیری خبرنگاران از یکدیگر به همراه فلاش دوربینهایشان آغاز شد. آنان با دوربینهای عکاسی و فیلمبرداری بدفعات و بسیار شروع به

نشریه ویژه کمپین آزادی زهرا کمانفر و فرزندانش حاوی تمام اخبار مربوط به این کمپین همراه با مصاحبه ای با فرهاد حسینی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی به زودی منتشر خواهد شد

همبستگی هفتگی

نشریه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

سردبیر: پریسا پویانده

پست الکترونیکی:

parpoyande@yahoo.com
تلفن: 0031646614147

سایت اینترنتی:
www.hambastegi.org

تلویزیون همبستگی

هر سه شنبه ساعت
۲۱.۲۰ تا ۲۲
مشخصات فنی
تلویزیون:

Satellite: Telstar
12Center frequency:
12608MHzSymbol
Rate
19279FEC:2/3Polarization:
horizontal

رادیو همبستگی

هر جمعه ساعت
21/15- 21

طول موج رادیو
۲۱ متر برابر با ۱۲۸۰
کیلوهرتز

مسئول بخش و توزیع
همبستگی هفتگی:

کیان آذر
Ifir.news@gmail.com

به همبستگی
و فدراسیون
کمک مالی
کنید!